

بدون تشکل یابی نیروهای مولد، نیروی انقلابی وفاداران جمهوری اسلامی به مصرف می‌رسد

یک اراده هنوز کم فروغ

«سید علی کشفی
محمد رضا هدایتی»

یکم، انتخابات برگزار شد و چنانکه نظرسنجی‌های نهادهای رسمی و غیررسمی نشان می‌داد، مشارکت به حدود چهل درصد رسید. طبقه متوسط که همواره انتظار مشارکت و حساسیت بیشتری به چنین انتخابی از آنان می‌رفت، عزمی برای مشارکت در این انتخاب نداشتند. حتی آن بخشی از طبقه متوسط هم که رأی‌دانشان همیشه فرض گرفته می‌شود، فاقد چشم‌اندازی حقیقی برای مشارکت فعالانه در انتخابات به نظر می‌رسیدند. گویی آن‌ها می‌دانستند ناگزیرند بار دیگر به بلوک‌هایی رأی دهند که نمی‌توانند آنچه را پای صندوق رأی می‌کشاندشان، نمایندگی کنند. اینان اگرچه از سر عهدی که با جمهوری اسلامی دارند، نمی‌توانند از زیر بار انتخابات شانه خالی کنند، اما دیگر شاید امید چندان هم به مشارکت در این میدان نداشتند. نه آنقدر بود که پا پس بکشند و نه آنقدر که به این مشارکت دلگرم باشند. به همین جهت تنها از سر نگرانی برای ازدست‌رفتن هرآنچه سال‌ها برای آن مجاهده شده است، به مشارکتی نه چندان پرفروغ تن دادند.

این نحو مشارکت، در فقدان آن چشم‌انداز و با آن نمایندگی شکننده، دیگر حتی از جانب وفادارترین نیروهای مستقل جمهوری اسلامی، به راحتی تحمل نمی‌شود؛ تا جایی که این بار ابراز نارضایتی از جانب برخی از این چهره‌ها و گروه‌ها، دشواری حمل بار مشارکت منفعلانه را به وضوح نشان می‌دهد. امروز شاید همه این نیروها در یک درک واحد به اشتراک رسیده باشند و آن

اینکه دیگر نمی‌توان بدون کنشی فعالانه، منتظر آینده‌ای روشن برای کشور بود.

با وجود اینکه اینک این نارضایتی‌ها ممکن است ابتدائاً بحرانی برای مشروعیت جمهوری اسلامی به نظر آید، این خودآگاهی سیاسی می‌تواند نقطه عطفی در نحوه مشارکت نیروهای وفادار و جذب مشارکت نیروهایی تازه برای جمهوری اسلامی باشد. اینکه این نیروها دیگر نمی‌پذیرند بدون مشارکت فعالانه خود، صرفاً تبدیل به سیاه‌لشکری برای بلوک‌های سیاسی موجود باشند، نوید تولد شکل تازه‌ای از ائتلاف‌های سیاسی را در درون حاکمیت جمهوری اسلامی می‌دهد که می‌تواند در برابر تعادل ساکنی که همه چیز را در وضع موجود پذیرفته، مقاومت کند. اما این هم‌افزایی نیروهای مستقل خودبه‌خود رخ نمی‌دهد و حتی ممکن است جهات دیگری هم پیدا کند. بنابراین مسئله اصلی این است که این نیروی تازه، چگونه می‌تواند در عین استقلال، تبدیل به نیرویی مولد در مسیر جمهوری اسلامی و افزایش قدرت ملی شود؟

دوم، فقدان گفتارهای سیاسی مؤثر و قدرتمند و کادر رهبری قابل اعتماد در این شرایط، می‌تواند سرنوشت متفاوتی برای این نیروها رقم بزند؛ سرنوشتی که یا نیروی ایجادشده را سرخورده تر می‌کند و فرومی‌نشانند یا آن را در جهاتی مغایر با منافع و قدرت ملی ایران به مصرف رساند. در این میان، شکل‌گیری تشکلی از نیروهای سیاسی مولد که بتواند واجد گفتاری قدرتمند و امیدآفرین و کادر رهبری منسجم باشد، ضروری به نظر می‌رسد. شاید از سر همین ضرورت باشد که رهبر جمهوری اسلامی چند هفته مانده به انتخابات، در دیدار فرماندهان نیروی هوایی و پدافند

هوایی ارتش به ضرورت نقش‌آفرینی خواص برای به جریان‌انداختن نیروی مردمی جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌کنند:

«حرکت‌های اجتماعی دچار این آفت‌ها می‌شوند: آفت کندشدن، آفت توقف پیدا کردن، آفت به عقب برگشتن. این حرکت اگر بخواهد ادامه پیدا کند، شتاب‌دهنده لازم دارد... شتاب‌دهنده آن چیزی است که ما به آن می‌گوییم خواص؛ خواص جامعه... خواص یعنی آن مجموعه انسان‌هایی که در کار خود، با فکر و با شناخت و با تشخیص عمل می‌کنند و تابع جَو نیستند؛ خواص یعنی این‌ها. این خواص می‌تواند در بین فعالان گوناگون انقلابی، در بین اصناف، کارگران، نظامی‌ها، روحانیون و گروه‌های مختلف باشد. می‌تواند در بین فعالان مطبوعاتی باشد، می‌تواند در بین فعالان دانشجویی باشد، می‌تواند در بین فعالان سیاسی باشد... وظیفه این‌ها وظیفه سنگینی است... این‌ها بایستی جهت عمومی حرکت جامعه را حفظ کنند و نگذارند این حرکت دچار انحراف بشود.»

آن نیرویی که اراده‌اش مشروط به بیرون از خود نیست، تابع نیست و قوه تشخیص و تصمیم‌گیری دارد، می‌تواند مولد سیاست و شکل‌دهنده به اجتماع باشد. به رسمیت شناختن این نیروها در استقلال‌شان، اگرچه خطری را متوجه سکون و بی‌تحریکی فعلی جمهوری اسلامی می‌کند، تنها امکانی است که جمهوری اسلامی را قادر می‌سازد تا بتواند واجد مردمی و مدعی ملتی باشد. به رسمیت شناختن و گفت‌وگو با چنین نیروهایی، نه تنها آزمونی دشوار برای جمهوری اسلامی به حساب می‌آید بلکه پیشنهادی است برای مردمی که در هیاهوی ائتلاف‌های مصنوعی و اجتماعات موقت، در انتخاب سیاسی خود سرگردان‌اند. به عهده‌گرفتن آن رسمیت از سوی دستگاه سیاست و پذیرفتن این پیشنهاد از سوی مردم می‌تواند امیدی برای تولید نیرویی تازه در تاروپود جمهوری اسلامی ایران باشد.

امروز همه این نیروها در یک درک واحد دارند: دیگر نمی‌توان بدون کنش، منتظر آینده‌ای روشن بود. این تشکل تازه می‌تواند در برابر تعادل ساکنی که همه چیز را در وضع موجود پذیرفته، مقاومت کند